16 Только для служебного пользования
3B 17-3/46
N 172
23 Сент 1942

مردم
روزنامه یومیه
صاحب امتیاز صفر نوعی

سال نخست شماره ۱۷۲ چهارشنبه ۱ مهرماه ۱۳۲۱ برابر با ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۲ تک‌شماره پنجاه دینار – تلفن ۹۶۴۸

کرایه خانه

تصور نمیرود کسانیکه در خانه های شخصی سکونت دارند و نیز مالک و نیز طلبکار و غم معاش خاطر ایشان را پریشان نمیکند چنانکه شاید و باید از وضع غیر قابل تحمل مردم خانه بدوش و تنگدست آگاه باشند تلخی این مصیبت را چشیده نمیتوان داشت، مصیبتی که امروز اکثریت تام و تمام مردم بدان دچارند و احدی نیز در فکر رفع آن نیست.

موضوع کرایه خانه واقعا مشکل بزرگی شده، کارمند بی چیز، کارگر عملی که پس از ماهی جان کندن مثلا ۶۰۰ ریال بکف میآورد چگونه صد و پنجاه ریال آن را بابت کرایه یک اطاق کوچک دود زده که در حوالی شهر واقع است بپردازد. و اگر نپردازد بکجا پناهنده شود. تازه در صورتیکه این مقدار ثابت میماند باز جای دلخوشی بود ولی نرخ کرایه پیوسته رو بازدیاد است همانطور که بهای همه اجناس دیگر نیز قوس صعودی را میپیماید. فقط در میان این قیمت ها که در تغییر و ترقی است قیمت کار مغز و بازوی کارمند و کارگر است که ثابت و پابرجاست.

تردیدی نیست که بالا رفتن اجاره بها مستقیما در ترقی قیمت کالاهای دیگر موثر است – ترقی اجاره بها نتیجه ترقی ملک و ترقی ملک صرف نظر از علل اقتصادی بیشتر معلول تجارت بی رونقی است که در [illegible] اکنون بین دلالان و ملکداران با شدت و حدت تمام دوام دارد. [illegible] خانه از در محضر قدم بیرون نگذاشته که مشتریانی با سفته های [illegible] و [illegible] میرسند و خانه او را با قیمت بیشتری میخرند [illegible] تجارت پرسود و کم دردسر ثروت جمعی آورده و ملاکین و [illegible] باعث بیچارگی مشتی مردم زحمتکش و درمانده شده است.

ملکداران و سوداگران با افزایش بهای کالا هائیکه میفروشند میتوانند با ترقی اجاره بها مقابله کنند ولی آیا تکلیف کسانیکه مزد ثابت غیر [illegible] دارند چیست. خواهند گفت درآمد [illegible] ولی اگر کسی بخواهد با درآمدی که در ماه هزار ریال و پنجاه ریال از [illegible] زندگی داشته باشد چه کند؟ تا کی آسایش فکر و جسم از او سلب شود؟ تا چند [illegible] که آیا مردم ثروتمند و مستطیع تصور میکنند که توده تنگدست آسایش را دوست ندارد و از وسایل راحت بیزار است؟ چرا باید گروهی مردم شریف که از لحاظ ارزش فردی و دانش و عقل بر بسیاری از این ملکداران رجحان دارند از خوشیهای حیات محروم و تحمل رنج و [illegible] محکوم باشند؟

هنگام نخست وزیری آقای فروغی و سهیلی مراتب تعدیل اجاره بها بارها گفتگو هائی در مجلس و محافل دولتی شده بود [illegible] نتوانست حیثیت مالک و صاحب مستغلات [illegible] و برای کاستن سود او تصمیمی بگیرد ولی بهر جهت مسلم است که پس از اصلاح وضع خواربار یکی از اقداماتی که دولت حتما باید در مد نظر قرار دهد همانا تعدیل اجاره بها، تثبیت قیمت مستغلات و جلوگیری از این بازرگانی مخصوص است که در این دو سه سال اخیر رواج یافته است.

اکنون از کلیه قوه مجریه کشور بجای آنکه در موارد بیهوده استفاده شود باید برای کوتاه کردن دست این معامله‌گران بی‌رحم که حیات توده ایرانی را بازیچه گرفته اند استفاده شود. اگر مدیران امور کشور نخواهند مردم را زنده بگذارند و در شرایط زندگی یک کشور متمدن یک آموزگار، یک کارگر، یک کاسب و کارمند کم‌مایه تصور کنند و گره آنهائی که در کار مراجعه اگر از حال تشنگان بادیه نمی‌توانند باخبر باشند، پیشنهادهائی که در اصلاح وضع موثر است و بنظر ما میرسد بدین قرار است:

۱. باید موضوع امکنه و خانه‌ها تحت نظر اداره مخصوصی قرار گیرد تا دولت و کار آن اداره مشخص باشد.

۲. باید قیمت مستغلات بوسیله ارزیابان امین مطابق نرخ عادلانه تثبیت شود و مطابق آن اجاره بها تعدیل گردد.

۳. اگر از لحاظ بودجه اشکالی نباشد ساختن خانه‌های عمومی بزرگی برای کارگران و کارمندان در حوالی شهر یا در میدان [illegible] جا خواهد گشت و در پایین آوردن اجاره خانه از لحاظ اقتصادی موثر خواهد بود.

همانطور که گفتیم با آنکه عوامل اقتصادی چندی موجد این اوضاع در کشور ما گشته، متاسفانه مداکری و مراقبات حال هیچ‌نوع چندان مرسوم [illegible] عوامل روحی و اخلاقی را نیز در پیدایش ملاک‌گوری صاحب [illegible] و برای رفع همین عوامل باید دولت کمر همت را تنگ [illegible] چه مانعی دارد ملاک جای دو میلیون یک میلیون عایدی سالانه [illegible] ولی کارمند بی‌چیز و کارگر تنگ‌دست نان شب خود و زن و بچه بیچاره ایشان کاغذ و قلم مدرسه خود را بتوانند فراهم کنند.

برنارد شو هم دشمن فاشیست است

-۲-

برنارد شو در تمام زندگی خود با اصول فلسفوی و حتی با هرج‌ومرج اقتصادی و طبقه حاکمه که از کار طبقه ستمدیده سوء استفاده میکرد مبارزه نموده است. صراحت لهجه او امروز در انگلستان ضرب‌المثل است. بعضی از نمایشنامه های او را سالها اجازه نمایش نمیدادند. دولتها در دوره زندگانی خود حامی صلح بین‌المللی و بزرگترین دشمن جنگ جویان جنگ طلب بود.

معهذا چندی پیش که او را به اصرار در برابر رادیو بردند که راجع به جنگ اظهار عقیده کند، فقط در کلمه عقیده خود را در این پیکار جهانی بیان نمود و گفت:

« Back Russia » یعنی «به روسیه کمک کنید»

برنارد شو بزرگترین نویسندگان و دانشمندان امروز جهان بشمار میرود. برنارد شو است که هنوز سرنوشت جنگ تا موقعی که جبهه دوم در غرب اروپا باز نشده بسته به نتایج نبرد در جبهه شوروی است.

در سال ۱۹۳۱ برنارد شو برای اولین دفعه وارد مسکو پایتخت دولت شوروی شد پس از ملاقات با استالین در مراسله مخصوصی بیکی از دوستان خود چنین نوشت: [illegible] نویسنده انگلیسی مورد رشک و حسد من است [illegible] برای اینکه [illegible] نویسنده انگلیسی است که با این ملاقات [illegible] پیشه که در قرن های بعد نویسندگان رشک و حسد برند، زیرا من سعادت داشته ام که با استالین دست بدهم.»

برنارد شو در موقع ورود به مسکو با یکنفر محصل ایرانی که ملاقات کرد، با هم راجع به مسکو صحبت کردند و بیک شبه که محصل جوان موقتا بمسکو آمده است، او گفت اگر من بجوانی شما بودم در مسکو میماندم و فقط گاهی به دولتی میرفتم که اطلاعات خود را بدیگران یاد بدهم.»

برنارد شو وقتی از وضعیت نویسندگان شوروی شنید و اطلاع حاصل کرد که چه رفتاری با ناشرین با آنها میکنند، خندید و گفت: در تمام دولت های سرمایه داری ناشرین کتب نویسندگان را استثمار میکنند. در این مملکت شما ناشرین را استثمار میکنید.

یکی از آن روز هائیکه برنارد شو در مسکو بود، با روز تولدش مصادف گردید و نویسندگان شوروی به او پیشنهاد کردند که در جشن تولد وی که از طرف آنها برپا می‌شود، شرکت کند. برنارد شو اظهار داشت:

« مرا برای شرکت در جشن تولد شکسپیر دعوت کردند و رد نمودم بدلیل اینکه من جشن تولد خود را میگیرم، دیگر در جشن تولد شکسپیر شرکت نمیکنم. اکنون در جشن تولد شکسپیر شرکت نکرده‌ام. چگونه میخواهید در جشن تولد خودم شرکت نمایم. »

اما نویسندگان شوروی دست بر نداشتند و برنارد شو در حضور یافت.

وقتی دسته برنارد شو و تظاهرات لودر عمو دیگران مشهور مصر بود مجلس معروف است در یکی از مهمانی های بزرگ خانم سالخورده‌ای خواست اظهار عقیده کند. [illegible] برنارد شو که قیافه جذابی دارد. اظهار داشت: دلم میخواست مادر من جای اعظم کنید که بهترین زن و با هوش شما باشید. » برنارد شو فوری در جواب

گفت: « خانم هیچوقت چنین تقاضائی نداشته باشید که کار خدا خیلی مرتب نیست، ممکن است بچه شما زیبائی من و باهوشی شما باشد. » برنارد شو مکرر در نوشته ها و کلمه های خود مردان بزرگی مانند اوستن چمبرلن و آناتول فرانس را نیز مسخره میکرد.

بیکر، نویسنده امریکائی، استاد یکی از دانشگاه های امریکا سالها در مسکو توقف کرده و بمطالعه آثار ادبی نویسندگان شوروی پرداخته بود. آنگاه راجع به مطالعات خود با برنارد شو گفتگو کرد و این مرد بزرگ باستاد امریکائی توصیه کرد که در مسکو بماند و مطالعات خود را در نظر دیگری آغاز نماید. استاد امریکائی راجع به این مصاحبه چنین مینویسد: « باور کنید چهار ساعت من با برنارد شو گفتگو کردم و یکسره در ضمن این چهار ساعت یک کلمه مسخره‌آمیز راجع به شوروی و اوضاع این کشور از دهان او خارج نشد.

از برنارد شو پس از ملاقات با استالین تقاضا کردند که نظریات خود را راجع باستالین و شوروی بنویسد. برنارد شو پس از تعمق چنین جواب داد: وقتی بیکنفر بوکسور « مشت زن » بگویند که با فلان پهلوان بوکس به جنگ تن بتن بپردازد، اول باید قوای خود را بسنجد و آنگاه مبارزه را قبول کند. من سعی نخواهم کرد تا اثری که متناسب دو من باشی گذاشته رشته تحریر در آورم. شاید بعد ها باین کار دست بزنم. بهر صورت بگذارید نویسندگان آینده از این واقعه نتیجه بگیرند و مانند منکه آدم متواضع و فروتنی نیستم، چنین قوائی در خود سراغ نداشتم که از عهده انجام چنین وظیفه مهمی برآیم.

هنگامیکه برنارد شو میخواست از مسکو عزیمت کند یکی از نویسندگان شوروی چنین گفت:

« رفیق شو ما امیدواریم که شما دوست انجماد جماهیر شوروی باقی خواهید ماند. »

برنارد شو در جواب گفت:

« بطور قطع تا دم مرگ دوست شما باقی خواهم ماند. امیدوارم پس از مرگ نیز چنین باشم. »

صنایع آلمان مال کیست

تا سپتامبر سال ۱۹۳۹ بسی از مردم بودند که هنوز گمان میکردند که هیتلر پهلوان مدافع سرمایه‌داران بر علیه کمونیسم است. اما در این ماه اتفاق تازه ای افتاد فریتس تیسن از آلمان فرار کرد و دیگر بکشور زادبوم خویش بر نگشت. فریتس تیسن شخص معمولی نبود فریتس تیسن صاحب مقتدر کارخانه های فولادسازی و معادن ذغال سنگ کسیکه با میلیونها مارک او حزب هیتلری سرکار آمده و رونق خود گرفت کسیکه نماینده کارفرمایان مخصوصی بود در سازمانها هم ظاهرا در تار وحشت سر میبرد مجبور گردید مانند بیچاره ترین یهودیان به سوئیس فرار کند. خانه زندگانی، دارائی، کارخانجات همه چیز خود را گذاشت و رفت و باز هم خوشحال بود زیرا جانش را بسلامت در برده بود.

هنگامیکه هیتلر حزب نازی را برقرار کرد این جمله پادشاه فرانسه را شعار خود قرار داده بود...

L' état, c' est moi یعنی دولت من هستم ولی در سال ۱۹۳۹ شعار جدیدی پیدا کرد و گفت:

L'industrie, c'est à moi

یعنی صنایع مال من است. یکی از نمونه های برجسته این نظم جدید صنعتی شرکت هرمان گورینگ است که بزرگترین سازمان صنعتی اروپا و یکی از بزرگترین سازمانهای صنعتی دنیاست. یک چنین سازمان صنعتی را در امریکا و انگلستان نمیتوان پیدا کرد و اگر بخواهیم مجموع وسعت و انحصارات و قدرت آنرا با سازمانی نظیر آن مقایسه کنیم باید بامیلیونهای خانواده های متمول ژاپن که در آن ثروت همه کشور در دست عده معدودی سرمایه‌دار متمرکز است مقایسه نمائیم.

تازه اگر وسعت و میزان فعالیت این شرکت هرمان گورینگ را بخواهیم با بعضی از موسسات صنعتی ژاپن مقایسه کنیم باید تصور کرد که میزان تکامل و ترقی آن نیز بامثال ژاپنیها قابل مقایسه است. شرکتهای هرمان گورینگ در سال ۱۹۳۷ با ۵ میلیون مارک سرمایه آغاز کرد. [illegible] در عرض پنجسال ٤ میلیارد مارک سرمایه دارد. پنج میلیون تبدیل به چهار میلیارد شده است! در چند ماه پیش شرکت ۶۰۰ هزار کارگر داشت یعنی در کارخانه های او صد هزار نفر بیش از سکنه زن و مرد و بچه تهران کار میکردند. و اکنون بعید نیست که عدد کارگران بدو برابر سکنه تهران رسیده باشد.

دستگاه نظامی آلمان موجب تشکیل کارخانه های هرمان گورینگ گردید در آن زمان در سال ۱۹۳۷ هیتلر در نظر داشت در عرض دو سال [illegible] منظور برقراری سلطه و نفوذ بر کلیه جهان آغاز نماید بنظر هیتلر کارخانه های فولادسازی آلمان لیاقت نداشتند کالا و مهمات جهت ارتشی که میبایستی اروپا را از پا در آورد و خود را بطرف آسیا و افریقا بیندازد و در صورت لزوم از اوقیانوس هم بگذرد و برامریکا ضربت وارد آورد تدارک نماید. آنگاه بازیها از آنان [illegible] منافع باید ... شده ... وقتی تسلیم شد گردد استفاده گردید. صنایع سنگین آلمان را از دست صاحبان صنایع گرفتند و در دستی قدیم هرمان گورینگ نهادند.

منظور از تاسیس شرکت های هرمان گورینگ دو پنجسال پیش این بود که معادن آهن زالس گیتر استخراج گردد. استخراج این معدن از لحاظ مالی فایده‌ای نداشت ولی برای دستگاه جنگی آلمان که احتیاج مبرمی بفولاد داشت توجه بامور مالی حائز اهمیت نبود. تنها چیزی که برای موقعیت شرکتهای هرمان گورینگ لزوم داشت این بود که مؤسسه‌های رقیب این شرکت از بین بروند. بازاران طولی نکشید که شرکتهای هرمان گورینگ دیگر میان سایر ماهیهای دریای صنعتی آلمان ماهی نبود که بزندگانی خود ادامه دهد بلکه تبدیل بنهنگی شد که ماهیهای دیگران دریا را میبلعید و از خون و گوشت آنها چربی برای خود تهیه میکرد.

بقیه در صفحه ٤

فولاد آبدیده

بواسطه تراکم اخبار چاپ نشد

گورینگ بزرگترین سرمایه دار آلمان فاشیستی

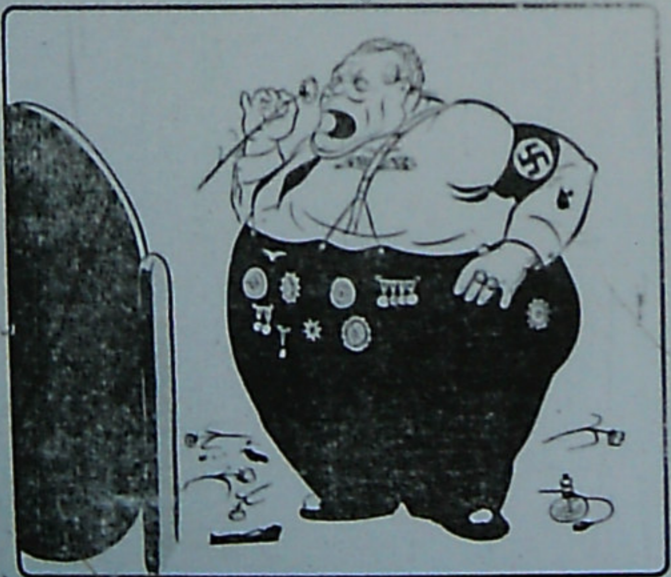

هیچست آن دهان که ندیدم از و نشان   مو است آن میان و ندانم که آن چه موست

تلگراف

از طرف کارگران اصفهان

مجلس شورای ملی رونوشت جناب والا رونوشت وزارت پیشه و رونوشت بازرگانی رونوشت مردم رونوشت استانداری رونوشت فرماندهی اصفهان و رونوشت فرمان تصمیم شد روزانه بپیشه و هنر برای کارگران بعدها با اینکه دوقلب کارگران رضایت بوده از طرف مدیران [illegible] شده و در عوض مشاور مدیران و سوءمراقبت پیشه و هنر اصفهان بعدی زیاد شده که علاوه بر اینکه تعصب و اختلال منظور دیگری نتوان فرض نمود برای احراز برتصمیری کارگران تقاضای رسیدگی فوری و جلوگیری داریم از طرف کارگران کارخانجات اصفهان حسین مرادیان احمد کاظمی رضا جمالی محمود رهنما نعمت الله بهرام پور آقا حسین نورصرا جواد مشکدار و ۳۷٤ نفر دیگر.

مردم توجه آقای نخست وزیر و آقای وزیر پیشه و هنر را به شکایت فوق جلب نموده انتظار داریم هرچه زودتر رفع نگرانی یک مشت کارگر بیچاره اصفهان که سالهای متمادی در تحت فشار سخت مدیران کارخانه ها قرار گرفته اند فراهم گردد.

دنیا و رژیم سرمایه داری

«در تمام دنیا برای آلمان فاشیستی دشمنی

خطرناکتر از شوروی نبود - دستگاه جنگی شوروی از ومندترین سازمان های جنگی نظامی دنیاست» (دیلی‌مایل)

لندن - بقرار اظهار خبرگزاری [illegible] که صبح امروز انتشار یافته [illegible] مطالعات و تحقیقات [illegible] دنیا [illegible] سازمان رژیم سرمایه داری [illegible] و طی آن [illegible] اصولی را که [illegible] میتوسعه مثلا در آغاز عصر صنعتی اصل رقابت آزاد [illegible] زیرا هیچکدام [illegible] صنایع دارای آن [illegible] نبودند که تنها [illegible] اوضاع بازار را تحت تاثیر قرار دهند لکن امروز در شرایط و اوضاع و احوال [illegible] صنایع و کارخانجات [illegible] بازار خارج شده و [illegible] قرار گرفته است [illegible] پایان مقاله [illegible] اصلی [illegible] و بازرسی داشته باشد [illegible]

[illegible] است که دو قرن [illegible] موضوع [illegible]

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد ژنرال [illegible] [illegible]

ملاقات ویلکی با مولوتف

محصوراً فقط در اتحاد جماهیر شوروی

مسکو - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس مولوتف [illegible] شوروی امروز (ویلکی) را [illegible] آمریکا پذیرفت [illegible]

مسکو - چنانکه خبرگزاری شوروی اطلاع میدهد [illegible]

[illegible]

نوید حملات هوائی شدید باروپا

موفقیت در ... ادامه دارد

لندن - خبرگزاری انگلیس [illegible] هوائی [illegible] آمریکا [illegible] حملات هوائی [illegible] از ۳۶ [illegible] آمریکا [illegible] خواهد شد [illegible]

[illegible]

قاهره - خبرگزاری انگلیس [illegible]

لندن - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس [illegible]

جنگ استالین گراد پایان

نیافته بلکه تازه شروع شده است - فاشیستها تنها

در این جبهه طی چهار هفته اخیر یکصد هزار تلفات داده‌اند و تا غروب دیروز چندین کوچه باز از دست داده‌اند

مسکو - (یونایتدپرس) بر اساس خبرگزاری انگلیس چنین اطلاع میدهد در بیست و چهار ساعت اخیر نیروی شوروی طی عملیات در استالین گراد کوچه بکوچه را از قید تسلط آلمانها خارج میسازند [illegible] در کوچه‌های شهر که [illegible] شب و روز ادامه میابد. هنگام روز تانکهای آلمان [illegible] [illegible]

کوچه و خیابان از دست آلمانها پس گرفته شده است.

مسکو - هارولد کینگ خبرنگار مخصوص خبرگزاری انگلیس از مسکو اطلاع میدهد که نیروی تحت فرماندهی مارشال تیموشنکو در هر متری از کوچه های استالین گراد با دشمن زد و خورد میکنند و پیشرفت هرقدر باشد برای نیروی دشمن گران تمام میشود. خط محاصره‌ای که بشکل کمان از شمال باختری تا جنوب باختری استالینگراد کشیده شده با کمال [illegible] [illegible] آلمانها برای [illegible] [illegible]

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد [illegible]

مسکو - [illegible]

مسکو - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس [illegible]

ملل اسلاو و مبارزه بر علیه

فاشیسم - در اروپا تاکنون ۲۰۷۳۷۳ نفر

شهید شده‌اند - کلیسا بر ضد فاشیسم

مسکو - بقرار اطلاع خبرگزاری شوروی میهن‌پرستان یوگسلاوی در نزدیکی شهر «بانیالوکا» همواره با کمال شدت با مهاجمین مشغول زد و خورد میباشند در طی پیکارهای اخیری که با میهن‌پرستان غیر نظامی یوگسلاوی بوقوع پیوسته تلفات ایتالیائیها بالغ بر سیصد تن افسر و سرباز شده است. میهن‌پرستان یوگسلاوی یک قطار حامل مهمات را بتصرف درآورده‌اند که در میان آن [illegible] و مقدار هنگفتی نارنجک [illegible] بوده است میهن‌پرستان غیر نظامی یوگسلاوی در ظرف پانزده روز شش هواپیمای آلمانی و ایتالیائی را بضرب تفنگ و مسلسل سرنگون ساخته‌اند.

مرز آلمان - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس روز دوشنبه اظهار اطلاع شده که بر علیه دکتر (تیسو) رئیس جمهور اسلواکی روز ۱۷ هنگامی که [illegible] سوء قصدی شده است لکن دکتر تیسو مورد اصابت واقع نشده و کسی هم که تیر اندازی کرده بود موفق بفرار شده است این واقعه هیجان شدیدی میان [illegible] اسلواکی ایجاد نموده است.

لندن - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس عزم و تصمیم نازیها برای از بین بردن کلیه اشخاصی که زیر بار اصول بردگی و رقیت آنها در اروپا نمیروند [illegible] متفقین انتشار یافته بخوبی واضح و آشکار است. ۱۱۶ تن از فرانسویانی [illegible] نیروهای متصرف آلمان در فرانسه تیرباران شده تا کنون قریب ۲۰۷۳۷۳ تن در اروپای اشغال شده اعدام شده‌اند [illegible]

ژنو - بقرار اظهار خبرگزاری شوروی کاردینال ژوله اسقف لیون [illegible] که دوایر مذهبی [illegible] تشریفات مذهبی برای فرانسویانی [illegible] که در جبهه خاور کشته شده [illegible] و بکلیه کشیشها دستور داده که در آینده نیز [illegible] برای اعضاء [illegible] داری کنند [illegible] (ابل ورژیم فاشیستو) در [illegible] مقاله‌ای بمضمون زیر انتشار داده [illegible] آن فرانسوا [illegible] و کاتولیک‌های فرانسه را سخت مورد انتقاد قرار داده [illegible] گفته است:

«کاتولیک‌های فرانسه [illegible] و بزرگ کشور خود [illegible] و [illegible] آنان لازم است [illegible] های فرانسه [illegible] [illegible]» [illegible] ایتالیا و فرانسه ایجاد نموده است.

سومین لشگر زره پوش

آلمان که خواب بادکو به را میدید بکلی نابود شد

در سایر نقاط جبهه موفقیت قطعی با شوروی است

میدان جنگ - خبرگزاری شوروی خبر میدهد [illegible] سومین لشگر زره پوش آلمان تحت فرماندهی ژنرال [illegible] [illegible]

[illegible] های خود را خواهند گشت [illegible] این لشگر [illegible] [illegible]

[illegible]

خلیج میلن از وجود دشمن

پاک شد. امریکا باید بیش از انگلستان فدا کاری کند

سربازان چینی همچنان جانفشانی میکنند

ستاد ارتش منطقه استرالیا - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس امروز [illegible] [illegible]

[illegible] که خلیج (میلن) از [illegible] [illegible]

کانساس‌سیتی - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع [illegible] [illegible] ۶۰ درصد [illegible]

واشنگتن - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس [illegible] ۶۸۲۷۸۸۵۷ [illegible]

چونگ کینگ - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد [illegible]

[illegible] روز ۱۹ [illegible]

یادداشتهای زندان

فرار عزت اله

-۴۵-

در اثنای مدت دو سال و نیمی که عزت الله در زندان قصر ماند یعنی قبل از نقل باصفهان پیوسته جایش سلول تاریک بود

مختار در ضمن مصاحبات وجود حبس تاریک را در دوران تصدی خویش منکر شده است و حال آنکه حبس تاریک موحش قصر که چهارصد سلول نام داشت مخوفترین جای کسانی بود که زیر بار رژیم مختار و نیرومند در زندان نمیرفتند

این سلول اطاقی بود کوچک تاریک و مرطوب با دری ضخیم و میله های آهنین بدون پنجره مملو از شپش و ساس، بدون روزن که گاهگاه بیش از ده تن را در آن جای میدادند

هر کس که سر از اطاعت نیرومند می پیچید [illegible] زندان را در هم میشکند، کتاب میخواند، مقاله مینوشت، دانش میآموخت، شطرنج میباخت، به دژخیمان زندان بی اعتنائی میفروخت جایش سلول بود. نظامچی سلول دزد و جاسوس خطرناکی بود بنام سید حسن که حتی مأمورین زندان از فتنه انگیزی و موذی گری او برحذر بودند. مأمور آن سر پاسبانی بنام نور محمد خان که هر از برخی فهمیده احمق و خیمی او خود بالاترین علت به جنبش بود، در سلول بالوله آفتابه مستراح روزی دوبار آب میدادند.

عزت الله را دو سال و نیم در این سلول با دست بسته و پا بسته نگهداشته و در اوائل کار هر هفته او را شلاق میزدند و تا آنجا که از هوش میرفت او را شکنجه میکردند ولی این مرد شگفت و دلاور همچنان مقاوم و بی اعتنا بود و برای آنکه بدانید تا چه حد تهور و رسوخ عقیده داشت همینقدر به شما بگوئیم که یکبار دیگر با [illegible] خیال کرده بود در سلول شروع بکندن [illegible] و زیر [illegible] بود که بمقصود برسد ولی جاسوسی از سرش آگاه شد و در

نهایت بی غیرتی خبر داد. بار دیگر عزت الله دستخوش آزار و تب گردید و بر محرومیتش افزوده شد

حسین نیرومند خیلی مایل بود که از او تملق بشنود ولی او از دیدن چهره این جلاد اظهار کراهت میکرد و حتی وقتی حسین نیرومند او را گفت از من تقاضای عفو بکن جواب داد که فقط میخواهم تا من توهین نکنند، من تازیانه خوردن را بر توهین شنیدن ترجیح میدهم

غریب اینجاست که عزت الله با دست بسته و پا بسته در سلول ورزش میکرد و این اواخر که باو هوا خوری میدادند مدت دو ساعتی را که موعدش بود عریان شده در آفتاب میخوابید

چنانکه گفتیم عزت الله را سرانجام باصفهان بردند و پایش کم کم سالم شد، حبسی می گفتند که او را سر به نیست کردند زیرا سخت از وی هراسناک شده بودند، برخی نیز طور دیگر می گویند بهر جهت من [illegible] داستان قضا میکنم [illegible] این مرد به تحقیق پردازد

عزت الله از لحاظ کار اگر خوبی و شجاعتی که بروز میداد احترام و محبت همه محبوسین خصوصاً محبوسین سیاسی را بخود جلب کرده و در چشم آنها قدرت پهلوانی را یافت که مقابل پلیس ایستادگی شایانی کرده باشد

همچنانکه گفتیم او [illegible] بر کنار [illegible] واضح شد و در همان هنگام که [illegible] گرفته بود [illegible] و سه نفر را که مدت یکسال در زندان شهر حبس [illegible] آورده و ما در آنجا با آنها آشنا شدیم و برای اینکه در یادداشتهای خود نکات اساسی را فرو گذار نکرده باشم استنباط خود را در باره این عده بیان میکنم.

فرزند

بقیه از شمارهٔ پیش

کستیا دیگر از ذوق و خوشحالی در پوست نمیگنجید بخصوص وقتیکه لباس سربازی برتن کرد و خود را صاحب یک قبضه تفنگ، یک کیف پر از فشنگ و یک ماسک ضد گاز دید از یاد [illegible] و خود را سعادتمند ترین و خوشبخت ترین افراد دنیا میدانست چه بآرزوی دیرین خویش نائل گردیده بود.

بالاخره اولین قدم بسوی سعادت برداشته شد. کستیا برای نخستین بار در خط آتش قرار گرفت. دائماً در التهاب و هیجان بود. با بی صبری تمام موقعیت مناسبی را انتظار میکشید. میخواست اولین روز را با سربلندی و افتخار بپایان رساند.

متأسفانه یکی از افسران واحد او تیر خورده افتاد. کستیا بی نهایت متأثر و اوقاتش تلخ گردید زیرا او درصدد بود ضرب شستی بدشمن نشان دهد و دست و پنجه ای با او نرم کند. برعکس یکی از رفقای او از طرف دشمن مجروح گردید. ولی کستیا تکلیف خود را فهمید. دانست که مهمترین وظیفه او عجالتاً رساندن مجروح بر صحنه [illegible] است. الذا بدون تعلل با تن کوچکی فرماندهٔ را بدوش گرفت و کشان کشان بطرف [illegible] روان گردید. در ضمن راه چندین بار [illegible] دوار و متغیر شد لیکن کستیا با [illegible] باتمام مأموریت خود ادامه داد پس از طی تقریباً ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ متر جهت استراحت و تجدید قوا مجروح را زمین گذاشت افسر تیر خورده پس از چند لحظه بهوش آمد و با کمک یکدیگر خود را [illegible] رساندند کستیا پس از انجام وظیفه بلافاصله بخط آتش مراجعت کرد.

او اولین امتحان عملی خود را بانهایت مهارت و علاقه مندی بپایان رساند.

او دیگر کستیای همیشگی نبود او دیگر از صورت یک بچه دهاتی ساده خارج شده بود. بلکه مردی بود جنگجو و [illegible] که خود را برای هر نوع محرومیت و جانفشانی آماده کرده بود. رموز مقدماتی و اسرار ساده جنگی را میدانست.

«اگر فاشیست را نکشی او ترا خواهد کشت.» اصول ساده تاکتیک نظامی را فرا گرفته بود: «هر گاه فاشیست زودتر از تو او را دید، او را خواهد کشت ولی اگر تو او را زودتر دیدی باید او را بکشی - فاشیست را جستجو کن، فریب ده و بکش.»

بالاخره کستیا [illegible]

آموداتی گروهان بلاگورودف منصور شد گروهان مذکور آمادهٔ حمله گردید در جریان نبرد به سد آتشین دشمن برخورد نمود یک مسلسل آلمانی باقدرت آتش خود مانع پیشروی گروهان گردیده بود فرمانده واحد کستیا را احضار کرد و باو فرمان داد: فرزند بجز، پیدا کن و محو کن. پسر شجاع از اینکه وظیفهٔ مهم و خطرناکی را باو محول کرده بودند بی اندازه مغرور بود و تظاهر میکرد با مهارت و چالاکی مخصوصی بطور خزیده و با استفاده از بوته ها و عوارض زمین بطرف خط مقدم دشمن جلو رفت و در نقطهٔ مناسبی باکتشاف پرداخت. پس از چند لحظه تجسس موضع مسلسل را کشف کرد. برق کلاه خود سرباز آلمانی چشم او را زد و از حرکت متناوب او فهمید که سرباز فوق مسلسل چی است. الذا بدون تعلل او را هدف تیر قرار داد. بر اثر اصابت گلوله مغز سرباز آلمانی متلاشی شد و کلاه خودش بزمین افتاد و آتش مسلسل نیز طبیعتاً خاموش گردید. بلافاصله صدای شلیک مسلسل دیگری شنیده شد و چند گلوله در اطراف مکتشف جوان بزمین اصابت نمود. کستیا فهمید که او را هدف قرار داده اند پیش خود گفت: «معلوم میشود فاشیست مرا دیده و من او را ندیده ام معلوم میشود قواعد و دستورات جنگی را خوب انجام نداده ام.» الذا فوراً کلاه خود خود را در محل طوریکه از طرف دشمن دیده شود باقی گذاشته و پس از تغییر موضع مجدداً بتجسس پرداخت مسلسل دوم را نیز پس از قدری اکتشاف پیدا نموده از بین برد و با رضایتمندی و غرور فوق العاده نزد فرمانده مراجعت کرد و شرح عملیات خود را بوی گزارش داد.

روز بعد کستیا را جهت تهیه نقشه [illegible] فرستادند در طی راه دست او از اصابت گلوله دشمن مجروح گردید میخواستند او را جهت معالجه به بیمارستان ببرند ولی راضی نشده میگفت: ممکن است دیگر مراجعه برای انجام مأموریت جنگی برنگردانند. فرمانده گروهان بعد از مباحثه طولانی و دادن اطمینان کامل بالاخره او را برفتن به بیمارستان راضی کرد. کستیا را به بیمارستان بردند و پس از معالجه مجدداً بواحد خود مراجعت نمود او اکنون با جدیت و صمیمیت فوق العاده در صف جنگجویان شوروی قرار گرفته در نبرد مقدس میهن شرکت دارد و وظایف جنگی اجتماعی را با شوق و حرارت زیاد انجام میدهد. [illegible] که افراد گروهان او را «فرزند» خطاب میکنند.

(پایان)

قلم ژ - ب - مرتن

ترجمه: ناصر وثوقی

-۲۷-

سقوط باستیل

۲- شاه در ورسای و هجوم زنها

لافایت فرمانده گارد ملی از شاه وقت خواسته بود. او پیشنهاد های سودمندی داشت و میخواست خودش باشاه ملاقات کند. خبر ورود گارد ملی باز لوئی را سر در گم و گیج کرد. حالا افسوس میخورد که چرا زودتر جا خالی نکرده و از این سرزمین پر آشوب بیرون نرفته. نکر دست بردار نبود پادشاه را به بازگشت دعوت میکرد و عقیده داشت که هرچه زودتر بپاریس برگردند. از آنطرف [illegible] هرچه نکر میرشت پنبه میکرد و نمیگذاشت سر اوباش و اشرار [illegible] میگفت پاریس برگشتن همانست و تاج و تخت را از دست دادن همان.

چهار کالسکه را بسته و آماده کرده میخواستند از اصطبل بیرون بیاورند اما مردم همینکه کالسکه ها را دیدند هجوم کرده نگذاشتند از در اصطبل خارج شوند. عنان اسب ها را پاره کردند. کالسکه چی ها را از جای خود پائین آورده آنقدر با لگد و چوب و چماق بر سرشان کوبیدند که با گل و کثافت زمین یکی شدند. بیچاره ماری انتوانت دست پیش را گرفت که عقب نماند و خودش را از تک و تا نینداخته پیغام فرستاد که از رفتن بپاریس منصرف شده است. شاه هم زیاد تر سر رفتن عقیده داشت زیرا موقعی که پیشنهاد فرار باو کردند چند بار باموردش گفته بود «یک پادشاه پناهنده فراری» درباریها از سر ماندن شاه و نرفتن او بپاریس [illegible] و حساب کار خودشان را کردند - از بیرون صدای شلیک تیر میآمد همینطور که شب تاریکتر میشد مردم هم بی باکتر و دیوانه تر میشدند. از یکی دو ساعت پیش خبر فرار شاه بگوش مردم رسیده و آماده کردن کالسکه ها هم این خبر را تائید مینمود جمعیت خیلی عصبانی و غضبناک بنظر میرسید و حالا که دست شان به شاه و ملکه نمیرسید به سربازهای خسته و وامانده که ساعتها زیر باران ایستاده بودند میپرداختند و حساب آنها را میرسیدند. هیاهوی ملکه بلند بود و داد و جوش و خروش و غروش افتاده و اینطرف و آنطرف میزدند. آیا او از رفتن منصرف شده یا آنرا بتعویق انداخته اند؟ چه وقت فرمان میدهند که سربازها این جمعیت دیوانه را متفرق کنند؟ بهتر نیست که جلوی کاخ از وجود این مردم پاک شود؟ اگر اینها بکاخ حمله کنند چه خواهد شد؟ خدا حفظ . . . اما ملکه باخونسردی و جرائتی که در تمام انقلاب او را پشتیبانی میکرد تصمیم گرفته بود که نزد شوهرش بماند

درباریهای سالخورده و جوجه اعیانهائی که تازه سر از تخم بیرون آورده بودند و خودشان را غیر از دیگران میدانستند از خشم میلرزیدند و اگر تیرشان میزدی خونشان در نمیآمد. آنطور شاه و ملکه بی دست و پا هستند اگر یک تیر خالی میشد همه را از توی هچل بیرون میآورد و جمعیت را از جلوی کاخ دور میکرد تا بدانند که شاه و خانواده سلطنتی و درباریان بزودیها و آسانیها از میدان در نمیروند ولی افسوس که شاه با بکار بردن اسلحه مخالفت میکرد و گرنه . . . . . یکی از درباریها تصمیم گرفت که خانواده سلطنتی را برفتن مجبور کند و برای اینکار ملکه را انتخاب کرد زیرا او کمتر دغدغه خاطر نشان میداد و خیلی زود تصمیم میگرفت.

شاه با پیشنهادهای انجمن ملی موافقت کرد و تصویبنامه های مربوطه را امضاء نموده بمجمع فرستاد. حالا دیگر منتظر ورود لافایت و گارد ملی بود. ملکه لافایت را بسیو بلندیه صدا میکرد. لافایت از مجمع ملی بیرون آمده و مقارن نیمه شب بکاخ لوئی رسید. پیشنهاد های خود را بیان کرد و اعتراضاتش را هم بگوش لوئی کشانید و آنقدر پادشاه را مطمئن گردانید که لوئی فرمان مرخصی سربازان شاهی را صادر کرده و محافظت کاخ را به عهده لافایت گذارد. درست است که سرباز های شاهی از ایستادن زیر باران خسته شده و از خدا میخواستند جا خالی کنند ولی باید بنظر آورد که اینها آخرین مدافعین جان پادشاه شمرده میشدند و در موقع ضرورت تا نفر آخر برای حفظ شاه مقاومت میکردند. بدون وجود این سرباز ها سر شاه در خطر بود. [illegible] خودش [illegible] اینکار را کرد و اسیر پنجه انقلاب گردید. لافایت تعهد نمود که کاخ را بوسیله سربازان گارد ملی محافظت نماید ولی خود لافایت هنگامیکه بورسای آمده از انقلاب اطاعت کرده بود و اینجا نمی توانست صورت فرمانهای خود پنجه زند. شاه بملکه پیام فرستاد که خیالش آسوده باشد و با آرامش و اطمینان خاطر به بستر برود.

شد جبهه اعزام گردیدند و جای آن لشگری دیگر وارد عرصه کارزار گشته محل های خالی پر شود. در چهار سال نیز سومین لشگر زره پوش [illegible] جبهه خارکف اعزام گشته و سپس به [illegible] جنوب رهسپار شد اخیراً [illegible] سنگینی که این لشگر داده یک هزار و ششصد تن افسر و سرباز که [illegible] آلمان به وسیله آمده برای جبران [illegible] بقایای این لشگر ملحق گردیدند [illegible] روز میتوان گفت در اثر رزمهائیکه [illegible] جبهه [illegible] در گرفته اثری از این لشگر پیدا نیست تمام تانک های [illegible] شده [illegible] گشته وفقط چند کامیون [illegible] خالی است و شمار سربازان هر یک [illegible] لشگر نیز انگشت شمار [illegible] سومین لشگر زره پوش آلمان که [illegible] باد کوبه را میدید به جبهه [illegible] گرفتار آمد.

مسکو - [illegible] از مناطق جبهه [illegible] حمله متقابل پرداخت [illegible] سعی کرد مواضعی را که [illegible] از دست داده تصرف کند ولی سربازان سرخ تمام این حملات را [illegible] کرده و تلفات سنگینی به دشمن [illegible] آوردند. نیروی ما در عرض سه [illegible] نزدیک بیک [illegible] دشمن را نابود کرد و بیست و پنج [illegible] دشمن را از کار انداخت و ۷ [illegible] و شانزده مسلسل و دو تفنگ ضد تانک و چهار دستگاه تلگراف بی سیم و مقداری دیگر از آلات و ادوات بدست آورد.

لندن - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد که رادیوی مسکو دیشب [illegible] نیروهای شوروی در [illegible] جبهه ولگف پیشرفت حاصل

کرجانه آنها در یک نقطه [illegible] لشگر کشی بوده تصرف در آورده اند. در جبهه [illegible] هم از یک حمله متقابله آلمانیها جلوگیری شده است و در آنجا سیصد و پنجاه تن آلمانی کشته شده اند.

مسکو - در جنوب شوروی [illegible] عملیات تعرضی ادامه یافته و [illegible] عده زیادی از سربازان دشمن را [illegible] و تمام آنها را از پای در آورده [illegible] در جبهه ولگف حملات آلمانیها در هم شکسته و [illegible] تلفات فوق العاده سنگین وارد آمد.

مسکو - یکدسته از جنگجویان [illegible] در طی عملیات در یکی از مناطق [illegible] یکی از [illegible] که مشغول نگهبانی یک پل راه آهن بودند حمله بردند و [illegible] سرباز آلمانی را کشتند و پل را خراب کردند یکدسته دیگر از آنان [illegible] ایستگاه راه آهن حمله بردند [illegible] تلفن را نابود کردند و راه آهن را خراب کردند.

مسکو - ارتش سرخ در جبهه ورونژ همچنان فشار شدید خود بر دشمن ادامه میدهد توپخانه شوروی [illegible] برای تشکیل سد آتش مشغول [illegible] نیروی هوائی شوروی خطوط دفاعی آلمانیها و مراکز تجمع دشمن را در عقب جبهه [illegible] بمباران مینماید آلمانیها جداً کوشیدند که از حملات [illegible] شوروی جلوگیری نمایند ولی هیچگاه موفق نشده [illegible] متحمل تلفات بسیار میگردند روز یکشنبه پس از آنکه آلمانیها در جنوب ورونژ به حمله پرداختند و از مساعی خود نتیجه نگرفتند متجاوز از سیصد تن از سربازان

خود را در میدان جنگ رها نمودند. طی یک حمله متقابله در شمال ورونژ آلمانیها سیصد تن کشته و پنج تانک از دست دادند و عملیاتشان منتهی به شکست کامل گردید یکنفر از اسیران آلمانی که از افراد سیصد و بیست و سومین لشگر پیاده نظام آلمانی بوده اظهار داشت که شماره زخمی شدگان آن لشگر از اواسط ماه ژوئیه تاکنون بالغ بر ۴۵۰۰ تن شده است

«ملت جاندارد» یا

«نژاد در خطر مرگ» است؟!

یکی از وسائل موثری که نازیها برای پیشرفت مقاصد شوم خویش بکار برده و بر آن تکیه میکنند تبلیغات [illegible] و [illegible] است. دستگاه وسیع تبلیغاتی گوبلس برای اینکه بتواند برای زورگوئیها و حق کشی های امپریالیستهای آلمان و جنایتکاران نازی محملی تهیه نموده و با عبارات [illegible] طمطراق و هاهو و عربده های آتشین روی قبایح اعمال آنهارا پوشانده از [illegible] هیچ باکی ندارد. مبلغین نازی بهیچوجه اهمیتی نمیدهند باینکه تبلیغات شان صورت منطق و استدلالی داشته و بالاخره حرف های آنها با یکدیگر تناقض داشته باشد. مقصود آنها اینست که پر حرفی شده حرفی زده باشند و [illegible] طرف داده [illegible] وی را بسته باشند ولو اینکه این حرفها بر خلاف عقیده خودشان بوده و آن را باور نداشته باشند. بهمین مناسبت حرف خود را مطابق میدان ظرف و احساسات او تنظیم مینمایند؛ مثلاً اغلب دیده شده است که رادیوی برلن بزبان ارمنی از ملت ارمنستان تعریف و تعصب زیادی [illegible] آنها را بیش از حد و اندازه توصیف نموده است بخیال اینکه بعضی از [illegible] ارمنستان شوروی را بخود جلب و بر ضد دولت شوروی بشوراند، ولی زهی تصور باطل زهی خیال محال! و در همان آن همین رادیو بزبان فارسی و ترکی ارامنه را به باد فحش گرفته و ملامت را از اندازه میگذراند تا مگر کینه نژادی را در بین ایرانیان و ترکها با ارامنه برانگیزد و از آب گل آلوده ماهی بگیرد.

این سیاست تبلیغاتی نازی ها را هیتلر بطور خلاصه چنین گفته است «مطابق آنچه که حوادث بما دیکته کند عمل خواهیم کرد.» بنا بر این تبلیغات [illegible] اصولاً ایدئولوژی و طرز تفکر فاشیسم یک سیستم منطقی و یک دستگاه علمی و عقلانی منطقی نیست اصول عقاید فاشیست ها به نرخ روز تعیین می شود و همین امر بهترین دلیل برای تزلزل و عدم دوام حکومت آنهاست

از همین نظر است که شعار های نازیها نه تنها غلط و برخلاف منطق و اصول اجتماعی است بلکه اغلب باهم متناقض است.

یکی از شعار های نازیها اینست «ملت جا ندارد» هر کس نطقهای پر ولوله و داد و فریاد هیتلر را ولو برای یکبار هم شنیده [illegible] عبارات بگوش او خورده است: ما جا نداریم جمعیت ما زیاد است، فضای حیاتی ما کوچک است، ما زمین میخواهیم. مسلم است که اگر زمین و منابع طبیعی آلمان را در دسترس ملت آلمان گذاشته و از سوء استفاده های مشتی سرمایه داران آلمان از ثروت ملی می نمودند جلوگیری میشد قطعاً هیچ مانعی برای سعادتمند نمودن کلیه ملت آلمان کافی بود ولی فاشیستها بعضی هائی را که این سوء استفاده های اجتماعی ایجاد کرده بود [illegible] خط سرحدی ادامه میخواستند بهر حقوقی شده آنرا توسعه دهند.

چرا میخواستند جا و زمین زیاد داشته و اراضی دیگران را بنام [illegible] غصب کنند؟ برای اینکه ملت طبقه کارگر آلمان از طرف سرمایه داران بیشتر مورد استثمار شده و برای بدست آوردن سرمایه و منابع بیشتری این

صنایع آلمان مال کیست

بقیه از صفحه اول

گورینگ شعار تازه پیدا کرد.

از معادن شروع میکنیم و به تانک ختم میکنیم.

مقصود این بود که فقط با ذوب فلزات و تهیه فولاد قانع نخواهد شد. او بلافاصله صنایع فرعی دیگر از قبیل سنگ تراشی و معادن ذغال و کوره های ذوب آهن و کوره های گچ سازی و اسباب آهن کوبی و [illegible] احتیاج داشت طولی نکشید که شرکت های هرمان گورینگ تمام کارخانه های ناحیه زالس گیتر را تصاحب کرد و بنام [illegible]. گورینگ این موسسات را بصدور سهام بدست می آورد و کسی حق نداشت در اصالت این سهام نظارت کند و کارخانه های فولادسازی متحد و معادن [illegible] در همین طرق از بین رفتند. آنگاه چشم طمع معادن آهن [illegible] دیگر دوخت و کارخانه های آهن ذوب آلپی [illegible] را در نزدیکی [illegible] تاسیس نمود. اکنون میتوانست کالاهای ساخته شده از کارخانه های خود بیرون [illegible] و [illegible] اسلحه و الکتریک [illegible] بازار کرد

صنایع فولادسازی آلمان از دست شرکت های هرمان گورینگ [illegible] شدند در عرض [illegible] شرکت جدید التأسیس سرمایه خود را ۸۰ برابر کرده بود و از حیث وسعت و تمول [illegible] نوع خود در تمام آلمان شده بود

ولی هنوز شرکتهای هرمان گورینگ احتیاج بمواد خوبی داشتند که میبایستی از کارخانه های دیگر بخرند مثلا نفت و مواد [illegible] لازم بود [illegible] که برای ساختمان [illegible] آنها بکمک خارجی نیاز داشتند از این گذشته وسائل حمل و نقل [illegible] بزرگی برای توسعه تمول و ثروت وی بشمار می رفت. —

و از اینجهت گورینگ تصمیم گرفت که کلیه کارخانه هائیرا که کشتی تجارتی و کشتی های باری جهت عبور و مرور در رودخانه های دانوب و آلب و [illegible] میساختند در تصرف خود در آورده و طولی نکشید که عبور و مرور کشتی [illegible] در آبهای داخلی آلمان [illegible] در انحصار هرمان گورینگ [illegible] هرمان گورینگ در تمام نقاط آلمان تاسیس شده و [illegible]

که صنایع دست یابند هر جا صنعتی وجود داشت گورینگ هم دخالت داشت هیچ رشته صنعتی هم که گورینگ منفعتی برای خود در آن حدس میزد وجود نداشت که شرکتهای هرمان گورینگ در آن بی سهم و بی نصیب باشند و در همین موقع هیتلر و همدستان گورینگ بفکر افتادند که سرزمینهای دیگری را در اختیار این دسته سرمایه دار [illegible] گورینگ بگذارند و هر کشوری که سربازان هیتلر وارد می شوند نمایندگان بازرگانی و صنعتی گورینگ نیز با آنها با سهام جعلی ظهور میکردند

بلافاصله پس از الحاق اطریش بآلمان شش بنگاه بزرگ صنعتی [illegible] کارخانه های هرمان گورینگ ملحق گردیدند. [illegible] معادن آهن اطریش و کارخانه های اتومبیل و اسلحه سازی و کارخانه های واگون و هواپیماسازی و شرکت کشتیرانی دانوب همه اینها جزو شرکتهای هرمان گورینگ شدند.

هنوز قبل از آنکه چکوسلواکی مورد تاخت و تاز سربازان آلمانی قرار گیرد [illegible] آنها مجبور شد [illegible] سهام کارخانه های آهن [illegible] را در چکوسلواکی [illegible] گورینگ واگذار کند. [illegible] چکوسلواکی کارخانه های شکودا [illegible] کارخانه های [illegible] که در آن [illegible] ساخته میشد [illegible] بزرگترین کارخانه های اسلحه سازی [illegible] بشمار میرفت [illegible] شرکتهای هرمان گورینگ گردید

[illegible] چکوسلواکی شرکت [illegible] گورینگ بنام شرکت معادن [illegible] تاسیس گردید و [illegible] موسسات موجود را [illegible] تمام محصولات ذغال چکوسلواکی [illegible] تصرف گورینگ درآمد. [illegible] صنایع فولاد چکوسلواکی [illegible] شرکتهای هرمان گورینگ [illegible] بشمار میرود [illegible] کارخانه های [illegible] لورن فرانسه [illegible] کارخانه های آهن [illegible] شرکتهای هرمان گورینگ بشمار میرود.

اما باید تصور کرد [illegible] منظوری جز غصب اموال و دارائی مردم [illegible] آنها گورینگ [illegible] های مغلوب آلمان [illegible] سئوال است [illegible] ولی [illegible] صنایع فولاد خود را تسلیم گورینگ کند. کارخانه های [illegible] که [illegible] محصول فولاد [illegible] را تهیه میکرد [illegible] جزو شرکتهای هرمان گورینگ [illegible] شرکتهای عمومی [illegible] گورینگ هستند. [illegible] طرف آنها مغلوب شده [illegible] بشمار میرود [illegible] امروز [illegible] است [illegible] با وجود این [illegible] گورینگ شده اند.

در اوائل سال ۱۹۴۱ شعبات شرکتهای هرمان گورینگ [illegible] در هم و برهم شده بود که شرکت سهامی کارخانه های سرتاسر آلمان بنام هرمان گورینگ تاسیس در سال ۱۹۳۹ لازم دانست تبدیل بیک شرکت [illegible] و سه شرکت دیگری که امور رشته های فرعی دیگر را عهده میگیرند گردد.

این سه شرکت عبارت بودند

۱ — کارخانه های سرتاسر آلمان شرکت سهامی مخصوص معادن و ذوب فلزات بنام هرمان گورینگ شامل کلیه مناطقی که استخراج معادن و ذوب آهن [illegible] و در اطریش و چکوسلواکی و لهستان و [illegible]

۲ — کارخانه های سرتاسر آلمان شرکت سهامی مخصوص اسلحه سازی و ماشین سازی بنام هرمان گورینگ شامل کلیه امور ماشین سازی [illegible] متعلق بگورینگ در آلمان و اطریش و چکوسلواکی.

۳ — کارخانه های سرتاسر آلمان شرکت سهامی برای کشتیرانی داخلی بنام هرمان گورینگ شامل کشتیرانی در آبهای داخلی آلمان

اما تاثیر و نفوذ شرکتهای هرمان گورینگ در موسسات خصوصی بیش از آنچه [illegible] گورینگ [illegible] در آن علاقه دارد [illegible] آنها را [illegible] شرکتهای هرمان گورینگ [illegible] میداد.

قریب یکسال پیش شرکت سهامی بازرگانی بنام (امی یول) در هامبورگ ایجاد گردید که شعبه ای از شرکت بازرگانی «امی یول» در [illegible] بود و این شرکت [illegible] بازرگانی خواهر شرکت بازرگانی «امی یول» [illegible] هر دو آنها از یک منبع سرمایه دریافت داشته [illegible] شرکت [illegible] کارخانه های اشکودا بود.

مقصود آنکه چون کارخانه های اشکودا برای تسهیل بازرگانی خود این شرکت را تاسیس کرده بود این شرکت بازرگانی در هامبورگ موجب شد که قسمت صدور کالای آن رونق گیرد. چون این شرکت در تحت حمایت هرمان گورینگ بود توانست به آسانی بورود و صدور کالا بپردازد و این امر برای سایر شرکتها بسیار دشوار و بلکه غیرمیسر است. از این گذشته تسلط نظامی آلمان در کشورهای خارج نیز امور بازرگانی این شرکت را در خارجه تسهیل میکرد بطوریکه در نتیجه کلیه این عوامل بازرگانان دیگر آلمان در هامبورگ بکلی از پا درآمدند و اغلب آنها ورشکست شدند البته برای توسعه و ترقی شرکتهای هرمان گورینگ هیچ مانعی و رادعی نیست و تا هنگامیکه دستگاه [illegible] هیتلری ادامه دارد این شرکت نیز در [illegible] و تکامل است زیرا این شرکت [illegible] تشخیص داد با الحاق [illegible] منابع دارائی دیگرانرا غصب میکند و در نتیجه صنایع آلمان نیز نمیتواند [illegible] وارد آورد زیرا در دستگاهی که [illegible] نمی گیرد.

یکی از مهمترین نکات ترقی و تکامل این نوع شرکتها اینست که [illegible] میشود. زیرا [illegible] گران [illegible] نظامی [illegible] گذاشته میشوند. صحیح است در آلمان دیگر بیکار نیست و [illegible] بیکاری وجود داشته باشد [illegible] صنایع قدیمی هستند که [illegible] هیتلر را واگذار کرده [illegible] در این شرایط که [illegible] کارخانه های [illegible] گورینگ را میتواند [illegible] باید از خارج وارد [illegible] را باید اسلحه و توپ و تانک [illegible] وارد آورد تا کارخانه های هرمان گورینگ نیز درهم شکسته

آقایان لازم میدانند که [illegible] بدست آورند [illegible] ملت آلمان را بجنگ کشیده و هزاران جوان آنرا بکشتن داد و [illegible] فرار نمود. برای حفظ منافع [illegible] هنوز ملت آلمان [illegible] را بدست [illegible] و سرمایه داران آلمانی [illegible] جواب [illegible]

اما [illegible] که [illegible] شعار دیگری [illegible] است [illegible] و [illegible] ما کوشیده ایم [illegible] یکطرف [illegible] را برای [illegible] از طرف دیگر [illegible] کمابیش [illegible] دو شماره [illegible] اصلاح [illegible] در مقاله دیگری شرح خواهیم داد. ضمنا یادآوری میکنیم که اگر این حرف صحیح است [illegible] بیش از ده میلیون از جوانان [illegible] برگزیده را طعمه [illegible] ساخته است!

تئاتر کمدی محاکمه مختاری (۷)

چگونه خائنین را کیفر میدهند

موضوع [illegible] فلسطین از کجا بمیان آمد؟

کشف [illegible] برای مغز کوچکی مانند عقیلی پور خیلی [illegible] بود و وی حق داشت باین اکتشاف خود ببالد! ولی در این کاروان جنایتکاری [illegible] وجود داشت که در نتیجه ممارست [illegible] بود. در سالهای متمادی [illegible] آگاهی و در دوران تحصیل در دانشگاه پرونده سازی [illegible] و فن ابتکار را به دقت آموخته بود [illegible] در طرح نقشه های شیطانی مهارتی بسزا و در فن پاپوش دوزی تخصصی بکمال داشت. باری [illegible] نقشه برای مغز [illegible] پیش کرد. آگاهی [illegible] میشود. باید آنرا تکمیل کرد ولی چطور؛ باید با سیاست آنرا ارتباط داد تا هم موضوع را بزرگ نموده و هم نظر مردم را جلب کند. خوب کدام موضوع را میتوان [illegible] پرونده [illegible] چسباند؟ [illegible] کاروان [illegible] و هرچه دقت کردند [illegible] از معنی فلسطین [illegible]

[illegible] معنی فلسطین [illegible] از شورش [illegible] تا شهریور ماه [illegible] در اواخر شهریور ماه [illegible] و پس از مدتی [illegible] آلمان پیدا میشود.

مفروضات — معاهدت دولت انگلیس [illegible] و علاقه این دولت به این موضوع.

مجهول — [illegible] بر قرار کرده است و کی در این قضیه [illegible] بوده است.

راه حل — [illegible] نقشه چنین [illegible] تصمیم گرفت از این [illegible] موضوع [illegible] که دستگیری آنها [illegible] این اتهام [illegible] این عنوان [illegible] آنها را [illegible] دیگر [illegible] از این نقشه [illegible] پرونده را [illegible] تا موضوع را سیاسی جلوه داده وشخصیت خود را بالا می بردند (البته بخیال خودشان [illegible] خوبی برای فریفتن مردم کرده بودند) واما بالاخره اصل موضوعی که خود [illegible] کشیده [illegible] میکردند و اینطور معلوم میداشتند که این اتهام روی اغراض شخصی تهیه شده است! اینها مواردی بود که میخواستند از این نقشه ببرند. ضمنا عقیلی پور و فرشچی هم دل خودشانرا خوش کرده بودند که بدین وسیله میتوانند اعترافات خودرا انکار کرده و راه فراری بدست آورند! البته اطراف و جواب کار را هم قبلا درست کرده بودند از قبیل کاغذهای متوالی که عقیلی پور از زندان نوشته بود و ملاقات مختار با عقیلی پور و غیره البته واضح است که این نقشه باید بدست فرشچی ها و عقیلی پورها اجرا شود.

اینهم سهم وکلای مدافع!

وکلای مدافع هم بیکار ننشسته و آنها نیز رل خودرا در آماده نمودن این نقشه بازی کردند! کاری که بدست مقدادی انجام شده بود طرح کلی نقشه و اسکلت اساسی آن بود. اما برای اینکه بازی کنندگان خوب بتوانند ازعهده برآیند محتاج بتمرین و [illegible] و آموزش کامل بودند اینهم کار سهل و ساده نبود. اما ممکن نبود رئیس محکمه از آنها سئوال [illegible] خودتان بازپرس بوده اید مگر نمیدانستید که اعتراف برخلاف حقیقت چه نتایجی دارد و چه ضررهائی برای شما خواهد داشت؟

آیا امکان نداشت سئوالات دیگری در آخر جریانی که در پرونده وجود داشت [illegible] نقشه مطروحه جور در [illegible] کلی آسان بنظر میآید ولی عمل کردن آن سخت است اینها باید خوب [illegible] میکردند و برای [illegible] زیر دستی داشتند [illegible] امور قضائی [illegible] مواد قانون را [illegible] موارد سوء استفاده از آنرا [illegible] که این آقایان انجام دادند.

[illegible] و کلامت [illegible]

خبرهای کشور

در کمیسیون نظام

پیش از ظهر دیروز کمیسیون نظام با حضور آقای نخست وزیر و آقای سرتیپ ریاضی معاون وزارت جنگ و عده ای از آقایان نمایندگان در مجلس تشکیل گردید و مواد ۵۳ و ۵۴ و ۵۶ لایحه نظام وظیفه مورد مطالعه واقع شد مذاکرات زیادی در اطراف این مواد و سایر قسمتهای مربوط بعمل آمد و بالاخره گزارش آن تنظیم و برای تصویب مجلس فرستاده شد.

وزیر خواربار

امروز صبح آقای نخست وزیر آقای مهندس فرخ را بسمت وزیر خواربار معرفی نمودند.

آقای فرخ پس از حضور در وزارتخانه ادارات خواربار واقع در عمارت خیابان استخر را بازدید و رؤسای هریک از آنها توسط آقای پیرزاده معاون کل خواربار معرفی شدند و آقای فرخ دستورهای لازم [illegible] هریک از ادارات صادر کردند.

معاون وزارت دارائی

آقای امان الله اردلان رئیس اداره مستقل خواربار بسمت معاونت وزارت دارائی انتخاب و از دیروز بکار مشغول گردیدند.

انتصاب

آقای قاسم [illegible] از وزارت کشور بوزارت خواربار منتقل شده بریاست دفتر وزارتی منصوب شدند.

در دادسرای نظامی

یکی از عمارات متعلق بوزارت راه که نزدیک عمارت فرمانداری تهران واقع است اخیرا [illegible] و دادگاه نظامی فرمانداری تهران اختصاص داده شده است [illegible] این دادگاه که انتخاب شده بودند در عمارت [illegible] شروع بکار کرده اند. اکنون تعداد زیادی پرونده های مربوط [illegible] که در زمان حکومت نظامی [illegible] بدادگاه مزبور ارجاع گردیده و جدیت [illegible] مشغول رسیدگی و تکمیل پرونده ها میباشند از جمله پرونده قتل مرحوم سرتیپ شهاب وقتل خانم [illegible] تمام پرونده ها و حتی چاقوکشی هائی که در ماههای اخیر روی داده است [illegible] دوایر دادسرای نظامی تحت تعقیب قرار گرفته که پس از تکمیل در دادگاه [illegible] مورد رسیدگی قرار گیرد.

مسابقه دوچرخه سواری

چهارساعت و نیم بعد ازظهر امروز مسابقه های تهرانی دوچرخه سواری در خیابان شاهرضا انجام خواهد شد عده زیادی از دوچرخه سواران برای مسابقه یک کیلومتر و عده ای برای مسابقه پنجاه کیلومتر نام نویسی نموده اند.

زیر اتومبیل جان سپرد

در چهار راه قوام الدوله [illegible] باری ۵۱۰۹ که رانندهاش رضا [illegible] داشت ساعت ۸ دیروز [illegible] ساله را زیر گرفت و بطوری او مجروح و مصدوم نمود که [illegible] جان سپرد.

دونفر رانندگان اتومبیل سواری [illegible] ملی ومهربان نامان اولی [illegible] راه [illegible] بالا [illegible] و دومی در خیابان شاهپور محمد دوچرخه سوار را [illegible] مجروح نمودند. هر دو راننده دستگیر و مورد تعقیب [illegible] میباشند.

نمونه ضعف اراده

سید مصطفی نام [illegible] تریاک خورده [illegible] و دیروز در [illegible] بخش ۴ [illegible] میکند. مامورین برای [illegible] واقعه کاغذی [illegible] اینکه چون محمد علی [illegible] تهدید کرده بود [illegible] خوردن تریاک [illegible] کرده ام.

عمل این شخص نمونه کاملی ضعف اراده میباشد زیرا [illegible] نباید از جان شیرین دست کشد

آگهی

نظر باینکه مقدمات توزیع برگ جیره بندی شش ماهه دوم هنوز طور کامل فراهم نشده لذا سهمیه قند و شکر مهر ماه و چای مهر و آبانماه [illegible] زیر تحویل خواهد شد.

۱ - شماره ۵ برگ جیره بندی ششماهه اول برای سهمیه چای دوماهه مهر و آبان که عبارت از یکصد گرم چای خارجه و بیست و پنج گرم چای داخله میباشد اختصاص داده شده است.

۲ - شماره ۶ برگ جیره بندی ششماهه اول هم مخصوص سهمیه قند و شکر مهر ماه و سهمیه هر فردی مثل گذشته ششصد گرم قند و دویست گرم شکر خواهد بود. کوپن های شهریور ماه فقط تا پانزدهم مهر ماه اعتبار خواهد داشت

ش۳۱۲ ۲-۱

رئیس کل خواربار کشور ـ اردلان

دکتر س معصومه فرهنگ
دیپلمه خارجه
متخصص در بیماریهای داخلی
آدرس: خیابان شاهرضا ـ میدان فردوس
اوقات پذیرائی: ساعت ۴ تا ۷ بعدازظهر ۳-۲

چاپخانه علی